

## نظر نقادانه ی حزب کمونیست یونان به مواضع حزب کمونیست فدراسیون روسیه در باره ی جنگ اوکراین

آیا مسئولیت احیای تبلیغات فاشیستی و نازیسی در اوکراین می تواند یک طرفه باشد؟ آیا بورژوازی روسیه مسئول این نیست؟ آیا حزب کمونیست فدراسیون روسیه چیزی در این مورد نمی داند؟ حزب کمونیست روسیه متوجه انتی کمونیسم اکرایی هست، طوری که آن را “مقامات فاشیستی” توصیف می کند، اما به انتی کمونیسمی که در صدای رسمی روسیه فوران می زند، و به آنچه از حنجره رئیس جمهور پوتین که در نخستین سخنرانی وی در قبل از آغاز عملیات نظامی به گوش رسید، هیچ توجهی ندارد



نظر نقادانه ی حزب کمونیست یونان به مواضع حزب کمونیست فدراسیون روسیه در باره ی جنگ اوکراین

مبارزه برای بازار و غارت کشورهای بیگانه، تلاش جهت مهار جنبش انقلابی پرولتاریا و دموکراسی در  
دورون کشورها، تلاش جهت فریب، جدایی و سرکوب پرولتاریای جهان، برانگیختن بردگان روزمزدی یک

ملت در برابر ملت دیگر به نفع بورژوازی- این یگانه حقیقت محتوا و مفهوم جنگ است. لنین مجموع آثار جلد ۲۶ ص ۱

نقل قول فوق از رهبر انقلاب اکتبر، که صد سال پیش گفته شده، به طور کامل با جنگ در اکرین مطابقت دارد. در بسیاری از مقالاتی که تا به حال نوشته ایم، به مبارزه ای که بر سر بازار فروش و راه های حمل و نقل کالا ختم می شود، اشاره کرده ایم

حزب کمونیست یونان مواضع خود را به روشنی، از جمله و در چارچوب جنبش جهانی کمونیستی بیان داشته است. متأسفانه، برخی از احزاب کمونیستی، همچنین حزب کمونیست فدراسیون روسیه، مواضعی را اعلان کرده اند که ما قعاطعانه مخالف آن می باشیم

مختصری در باره حزب کمونیست فدراسیون روسیه

حزب کمونیست فدراسیون روسیه که در سال ۱۹۹۳ بنیانگذاری شد یکی از نیروهای عمده صحنه ی سیاسی روسیه سرمایه داری است. این حزب در آخرین انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۲۱، با کسب حدود ۱۸.۹ درصد آرا، و با گرفتن ۵۷ کرسی (از ۴۵۰ کرسی مجلس) به دومین نیروی سیاسی تبدیل شد. نمایندگان این حزب طی سی سال گذشته پس از فروپاشی شوروی، سمت های مهمی را از دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۹ در دولت یرماکوف که تلاش می کرد بحران سرمایه داری کشور را تعدیل بخشد، در اختیار داشتند. برنامه حزب، با دفاع از خط مشی تبدیل تدریجی سرمایه داری به سوسیالیسم از طریق طی مراحل گوناگون، موافق با تشکیل دولت های مختلف "چپ میانه" می باشد. حزب کمونیست علیرغم برخورداری از وزن سنگین در پارلمان، نقش قابل توجهی در امور تجدید سازمان جنبش های کارگری و اتحادیه های کارگری در روسیه ندارد

مواضع این حزب تا آغاز تجاوز روسیه به اکرین، همبستگی با حزب حاکم "روسیه متحد" و رئیس جمهور پوتین بود. دوما (مجلس) روسیه طرح حزب کمونیست در مورد به رسمیت شناختن "استقلال" به اصطلاح "جمهوری های خلق" (دونباس و لوهانسک) را تصویب نمود که محرک اصلی تجاوز روسیه به اکرین شد. گذشته از این، حزب کلیه استدلالات رسمی دولت روسیه در مورد ضرورت نابودی فاشیسم در اکرین توسط ارتش روسیه، تحت عنوان "عملیات ویژه" - این اصطلاح جهت اجتناب از ذکر واژه "جنگ" ابداع شده است- را "تشخوار می کند". علاوه بر این، حزب کمونیست روسیه، اعتقاد دارد که سیاست خارجی "ضدفاشیستی" باید با "چرخش چپ" در داخل کشور همراه باشد. حزب همواره خواهان تغییرات در دولت و حضور حزب در آن می باشد

"جنگ تمدن ها": "میلیارد طلایی" در مقابل "جهان روس"

اما بدترین مواضع ارائه شده از سوی حزب کمونیست روسیه، سکوت کامل در باره ی دلایل حقیقی این

جنگ امپریالیستی است؛ جنگی که اگر این درگیر آن شده، نه در راستای منافع مردم، بلکه در راستای منافع انحصارات و بورژوازی است. این جنگ برای مواد اولیه و مواد خام، مسیرهای حمل و نقل کالا، پایه های ژئوپلیتیک برای سهم شدن در بازار می باشد

حزب کمونیست روسیه نمی تواند، اهمیت این موضوع را که منابع طبیعی اکراین، مواد معدنی آن، برای مثال: تیتانیوم، فلزات ضروری برای صنایع هواپیما سازی و زمین های حاصلخیز این کشور که نسبت به دوره سوسیالیستی روبه کاهش است درک نکند، نه تنها بنادر ماریوپول و ادسا بلکه مهم تر از همه پایگاه های صنعتی، شبکه عظیم حامل های انرژی هم برای روسیه و هم برای غرب مهم است

حزب کمونیست نمی تواند رقابت شدید بین دولت های بورژوازی در بسیاری از مناطق جهان برای انرژی، راه های حمل آن، در راستای سهم ببری از انحصار بازار انرژی اروپا و غیره را متوجه نباشد. همچنین حزب کمونیست، نمی تواند، رقابت امپریالیستی انحصارات دولت های اتحادیه اروپا، امریکا، روسیه، چین و سایر دول "بازیگر" منطقه ای مانند، ترکیه، اسرائیل، پادشاهی های حوزه خلیج فارس و دیگران را ببیند

حزب کمونیست با اتخاذ این مواضع، در کنار انحصارات روسیه و چین در رقابت آن ها با غرب و سایرین قرار می گیرد، که همه با هم مردم اکراین را به "کیسه بوکس" تبدیل کرده اند. حزب کمونیست مدتهاست که با روحیه ملی گرایی و نیروهای ناسیونالیستی که در پوشش میهن پرست ظاهر می شود، معاشقه دارد

صدر حزب کمونیست روسیه در کتاب خود "جهانی شدن و سرنوشت بشر" (۲۰۰۲) دیدگاه ساموئل هانتینگتون امریکایی در مورد "برخورد تمدن ها" را اتخاذ می کند، که مطابق آن، درگیری ها نه در سطح دولت ها، بلکه میان نیروهای مختلف فرهنگی سنتی است. بنابراین، در عملکردهای ناتو، اتحادیه اروپا و امریکا جهت محاصره روسیه وی یک "جنگ تمام عیار" علیه روسیه می بینند، که توسط کشورهای "میلیارد طلایی" راه اندازی شده است. یعنی سی کشور پیشرفته، اعضای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از جمله یونان با یک میلیارد جمعیت. مطابق این فرضیه، ما شاهد "کاهش" تضادهای طبقاتی اجتماعی در جامعه "میلیارد طلایی" هستیم و اکنون تضاد اساسی در سطح بین المللی "بر اساس خط" غنی شمال-فقیر جنوب" بیان می شود. تندتر از تضادهایی که قبلاً پرولتاریاها را از استثمارگرانشان در چارچوب یک کشور جداگانه جدا می کرد» [۱]

در اسناد برنامه حزب کمونیست روسیه، هیچ اشاره ای به ماهیت امپریالیستی روسیه معاصر نشده است، با این همه، اعتقاد بر این است که، "فدراسیون روسیه به موضوع نوبتی تقسیم جهان، ضمیمه مواد خام دولت های امپریالیستی جهان" تبدیل می گردد، همچنین خاطر نشان می شود، که: "در نیمه دوم سده بیستم، گروهی با غارت بی رحمانه منابع کره زمین، سوداگری مالی، جنگ و روش های پیچیده استثمار جدید، غنی تر شده

اند. از کشورهای پیشرفته سرمایه داری، به اصطلاح میلیاردها طلایی وارد دوره ای به نام "جامعه مصرفی" شده است. در اینجا مصرف از حالت کارکرد طبیعی انسان به یک "هدف مقدس" تبدیل می گردد، که به تلاش شدید وضعیت اجتماعی فرد بستگی دارد. (۲) بر پایه این رویکرد غیرطبقه‌ای و گمراه کننده، "میلیاردها طلایی" در مقابل به اصطلاح "جهان روس" که یکی از گرایش‌های بنیادی سیاست خارجی مدرن دولت بورژوازی روسیه است، قرار می گیرد.

در پس این فرضیه، طرحی برای بهره برداری از میلیون‌ها روس و روس زبان جهت اجرای اهداف سرمایه داری روسیه نهفته است. "ما همه موظفیم از جهان روس دفاع کنیم. (...)" جهان روس در طی هزاران سال بنا شده است. در بنای این جهان نه تنها روس‌ها بلکه اکراین‌ها و بلاروس‌ها هم سهم داشته‌اند. صدر حزب کمونیست روسیه در سخنرانی خود در پارلمان روسیه در جریان قرائت طرح به رسمیت شناختن به اصطلاح "جمهوری‌های مردمی" می گوید: "ما یک دین مشترک، پیروزی‌های مشترک، یک زبان و یک فرهنگ داریم" (۳). بدین ترتیب، حزب کمونیست روسیه به طور کامل از سیاست خارجی دولت حاکم بر روسیه، اتحادیه‌های سرمایه داری میان دولتی، که توسط آن در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق ایجاد شده است، همانند، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان پیمان امنیت جمعی حمایت می کند. در ژانویه سال جاری حزب کمونیست روسیه از مأموریت نیروهای سازمان پیمان جمعی در قزاقستان در راستای سرکوب قیام کارگری مردمی حمایت نمود.

سرانجام، حزب کمونیست اعلان می کند که هدف آن ساختمان سوسیالیسم است، اما برنامه ای که قصد اجرای آن را از طریق فرایند انتخابات پارلمانی دارد، برنامه‌ی رفرم در مدیریت نظام سرمایه داری و کاملاً منطبق بر برنامه‌های دولت بورژوازی است که در مساله سیاست خارجی نیز بازتاب دارد.

پنهان کردن مسئولیت دولت روسیه در برابر آنچه که در حال رخ دادن است

حزب کمونیست روسیه با نسبت دادن وضعیت موجود و رویدادهای جاری به نیروهای امپریالیستی مانند امریکا، ناتو، اتحادیه اروپا، به اصطلاح "لیبرال فاشیست‌ها" چیزی در مورد مسئولیت بورژوازی روسیه نمی گوید. به هر حال، پس از فروپاشی شوروی میلیون‌ها روس و روس زبان در خارج از روسیه و از جمله در کریمه و دُنباس قرار گرفتند.

ان زمان که نیروهای ضدانقلابی روس، شوروی را متلاشی می کردند، از خود پرسیدند که حقوق این مردم چه می شود، از این پس مناطقی که این مردم در آن زندگی می کنند، متعلق به کدام کشور خواهد شد؟ صد البته که نه، در آن دوره زمانی این گروه از مردم، توسط بورژوازی نوظهور به عنوان مهره در برنامه‌های ژئوپلیتیک آن در شوروی سابق در نظر گرفته شدند.

همزمان با این، بورژوازی اوکراین در طی سی سال گذشته به طور سازمانیافته مردم اوکراین را با سم ضدکمونیزمی، تبلیغات گوبلی نسل‌کشی (گولودومور) خلق اوکراین توسط بلشویک‌ها، کمونیست‌ها و یا روس‌ها مسموم می‌نماید. در سال ۱۹۹۸ رئیس‌جمهور وقت اوکراین، لئونید کوچما اولین فرمان را صادر نمود که مطابق با آن این تبلیغات به سطح دولتی ارتقا یافت و به کل سیستم آموزش و پرورش کشور اشاعه یافت. در سال ۲۰۰۶ زمان ریاست‌جمهوری ویکتور یوشنکو عملیاتی تحت عنوان "به رسمیت شناختن بین‌المللی" به اصطلاح "نسل‌کشی" خلق اوکراین، آغاز می‌شود، همزمان در کشور جرم کیفری جهت نفی گولودومور در نظر گرفته می‌شود. در سال ۲۰۱۰ رئیس‌جمهور پرو روس ویکتور یانوکویچ با معتبر دانستن کلیه تصمیمات پیشین، اعلان کرد که سخن بر نسل‌کشی خلق اوکراین نیست، بلکه سخن از "جنایات رژیم تمامیت خواه استالین" می‌رود. برپایه چنین اسطوره‌هایی یک نسل‌کامل در اوکراین بزرگ شده است، سازمان‌های فاشیستی برپایه آن، نیاز به بازسازی مانده‌ی ایدئولوژیکی و سیاسی داشتند.

رهبری کنونی روسیه در تمام این سال‌ها برای پیشگیری از چنین تحولات غیرقابل قبول رخدادها چه کرده است. به غیر از تجارت، فعالیت دیگری هم صورت گرفت؟ همانطور که پوتین با غرور تمام گفت "در سال ۲۰۱۱ تبادل کالایی دوطرفه به بیش از ۵۰ میلیارد دلار رسید" (۴). در همان زمان که در اوکراین تبلیغات گوبلزی رشد می‌نمود، روسیه همانطور که پوتین بیان کرد در بازه ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳ (دقیقا دوره ای که اندیشه فاشیسم پا گرفت) از اوکراین حمایت مادی می‌کرد، سود بودجه اوکراین از کمک‌های روسیه (معافیت‌های اعتباری، بهای ویژه برق روسیه) شامل ۲۵۰ میلیارد دلار شد. حتی بدهی اوکراین از زمان شوروی به طور کامل توسط روسیه پرداخت شد.

آیا مسئولیت احیای تبلیغات فاشیستی و نازیستی در اوکراین می‌تواند یک طرفه باشد؟ آیا بورژوازی روسیه مسئول نیست؟ حزب کمونیست فدراسیون روسیه چیزی در این مورد نمی‌داند؟

مبارزه با فاشیسم

در طی سالیان سال، دولت روسیه هر سال پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به سازمان ملل ارائه می‌کند که در آن نازیسم محکوم شده و خواستار تمهیداتی در راستای محدودیت نازیسم به عنوان یک پدیده، به ویژه در کشورهای بالتیک و اوکراین می‌شود. امریکا نیز مدام به قطعنامه فوق رای منفی داده است. کشورهای اتحادیه‌ی اروپا نیز از رای دادن به آن خودداری می‌کنند. بر همین مبنا، هر سال در نهم ماه روز پیروزی بر فاشیسم پرچم سرخ در روسیه به اهتزاز در می‌آید. بدینسان طبقه بورژوازی تلاش دارد از احساسات مردم و روحیه ضدفاشیستی آن‌ها در راستای اهداف خود بهره‌مند گردد.

در همین حال، آگاهی دانش آموزان روسیه با سموم ضدکمونیزمی توسط آثار معروف ضدشوروی سولژنیتسین، که توجیه کننده خائنان و همکاران نازی ها، طرفداران دیکتاتور فرانکو و پینوشه است، مسموم می گردد. در رسانه های دولتی و خصوصی تبلیغات ضدکمونیزمی، و همچنین پیروزی بر فاشیسم آلمان یک شاهکار توسط مردم بدون حزب بلشویک، گاه‌ها علیرغم فعالیت های ان صورت می گیرد. پوتین علنا اعلان کرد که کتاب های ایوان ایلین، ایدئولوگ روسی فاشیسم را می خواند و خواندن ان را به جوانان پیشنهاد می کند. همچنین اضافه کرد که بر مزارش گل نیز می گذارد.

همه این ها یکبار دیگر ثابت می کند که هرگاه مبارزه با فاشیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری ای باشد که فاشیسم را بوجود می آورد، کاملا ریاکارانه است و اهداف دیگری را پنهان می کند، طوری که اکنون روسیه در اکر این سرگرم انجام عملیات نظامی گویا به منظور "نازی زدایی" می باشد

چه کسی نازی زدایی می کند؟ طرفدار فاشیست ایلین؟ آیا او آن را زیر پرچم امپراتوری نزاری - "زندان مردم" همانطور که لنین گفت، انجام خواهد داد؟ حزب کمونیست روسیه نمی تواند از این مواضع ریاکارانه بی اطلاع باشد

سکوت در برابر آنتی کمونیسم دولتی

حزب کمونیست روسیه متوجه آنتی کمونیسم اکرایی هست، طوری که آن را "مقامات فاشیستی" توصیف می کند، اما به آنتی کمونیسمی که در صدای رسمی روسیه فوران می زند، و همچنین از حنجره رئیس جمهور پوتین که در نخستین سخنرانی وی در قبل از آغاز عملیات نظامی به گوش رسید، شنیده می شود، هیچ توجهی ندارد

یادآور می شویم که پوتین در این سخنرانی از همه برچسپ های مشمئزکننده اتحادیه اروپا، امریکا که علیه اتحاد شوروی منتشر می کنند، از قبیل: "دیکتاتوری استالین"، "رژیم توتالیتیر"، "تروریسم سرخ" و غیره بهره برد

قابل توجه است که حزب کمونیست روسیه تحت هیچ شرایطی به این حملات ضدکمونیزمی غیرقابل قبول از سوی کرملین، که پایه مشترک ضدکمونیزم تمامی نیروهای امپریالیستی است، واکنش نشان نداده است. حزب کمونیست به هیچ وجه به اتهامات غیرقابل قبول رئیس جمهور روسیه علیه لنین و بلشویک ها، گویا که اینها مقصر اصلی فروپاشی اتحاد شوروی بودند نه ان نیروهای ضد انقلاب اجتماعی-سیاسی که خود پوتین همانند شهردار وقت لنینگراد آناتولی سابچاک - "دست راست یلتسین" به انها تعلق داشت، و به همراه گورباچف مبارزه ضدکمونیزمی، ضدشوروی، مبارزه علیه نیروی های مدافع نجات سوسیالیسم و شوروی را مدیریت کردند - واکنش نشان نداده است

تحریف مواضع حزب کمونیست یونان در مورد مساله جنگ

در شرایط فعلی، حزب کمونیست روسیه تلاش کرده تا مردم روسیه را نسبت به مواضع حزب کمونیست یونان درباره وضعیت اکرین گمراه سازد. حزب کمونیست از این که حزب کمونیست یونان تجاوز روسیه به اکرین را محکوم کرده است، از اینکه حزب کمونیست یونان یک مارش اعتراضی از سفارت روسیه تا سفارت امریکا در آتن علیه هر دو طرف درگیری امپریالیستی سازمان داد، و از مردم خواست "غارتگران" را انتخاب نکنند، از اینکه اعتراضاتی در راستای ممانعت از شعله ور شدن آتش جنگ امپریالیستی سازمان داد، علیه کشیدن مداوم و فزاینده یونان به داخل جنگ، علیه استفاده از خاک یونان جهت انتقال سلاح های مرگبار به منطقه درگیری اعتراض کرد، همه ی این ها را از مردم خود پنهان نموده است

برعکس، حزب کمونیست روسیه تلاش کرد از اعتراضات توده ای ضدجنگ سازماندهی شده از سوی حزب کمونیست یونان، جهت دستکاری بیشتر افکار خلق روس، استفاده نماید. بدینسان، گنادی زیوگانف با انتشار عکس هایی در شبکه های اجتماعی از متینگ حزب کمونیست یونان آن را بمثابة اعتراضاتی در حمایت از به اصطلاح "جهان روس" تفسیر نمود. گذشته از این، در پیام همبستگی حزب کمونیست روسیه با فعالین دستگیر شده حزب کمونیست یونان، که همزمان سرکوب تظاهرات تسالونیک را محکوم می کرد، تلاش شد که مواضع حزب کمونیست یونان را با مواضع حزب کمونیست فدراسیون روسیه در باره "جنگ تمام عیار ناتو علیه روسیه" یکسان جلوه دهد. یعنی مواضعی که تجاوز روسیه به اکرین را توجیه می نماید. این پیام در یکی از روزنامه های بورژوازی کشور ما منتشر شد، که تلاش داشت حزب کمونیست یونان را به داشتن مواضع دوگانه و حامی سرمایه داری روسیه متهم نماید

با این حال، برگزاری اعتراضات در یونان، یعنی کشوری که در کنار دیوارهای ان پایگاه نظامی، واحدهای نظامی و بنادر، ایستگاه راه آهن، که از طریق ان نیروهای امریکایی-ناتو جابجا می شوند، قرار دارد؛ گویای آن است که کشور ما یکی از اعضای طرف درگیری است، یعنی طرف امریکا-ناتو. بدین خاطر است که ما با مطالبه «یونان را به میدان جنگ نکشید»، و خروج از برنامه های جنایتکارانه یوروآتلانتیس که مردم ما را به گوشت دم توپ تبدیل کرده است، پیش آمده ایم. هیچ کس نمی تواند این اقدامات ما را در جهت حمایت از روسیه سرمایه داری تفسیر کند و ما نیز به همان اندازه آن را محکوم کرده ایم. نظر ما برخلاف حزب کمونیست فدراسیون روسیه و برخی احزاب کمونیست دیگر که روپوش ایدئولوژیکی سیاسی برای برنامه های بورژوازی روسیه پهن کرده اند، می باشد

حزب کمونیست یونان به چهل حزب کمونیست جهان وسی سازمان کمونیستی از سراسر جهان می پیوندد این احزاب با محکوم کردن جنگ امپریالیستی اعلان کردند که رویدادهای اکرین بر بستر سرمایه داری انحصاری، مرتبط با پلان های امریکا، ناتو و اتحادیه اروپا رخ داده، دخالت آن ها در منطقه در شرایط رقابت شدید این نیروها با سرمایه داری روسیه می باشد

این احزاب با کمونیست ها و مردم روسیه و اکراین که خواهان تقویت جبهه ای علیه ناسیونالیسم که خود محصول بورژوازی می باشد، اعلان همبستگی می کنند. این احزاب تاکید می کنند که مردم دو کشور، که روزگاری در صلح و آرامش می زیستند، دستاوردهای بزرگی در چارچوب شوروی داشته اند، به همراه سایر خلق ها از این یا آن امپریالیسم یا پیمانهای که در راستای منافع انحصارات است، جانبداری نمی کنند.

احزاب فوق خاطر نشان کردند که به نفع طبقه کارگر و اقشار مردم است که به واکاوی رخدادها برپایه معیارهای طبقاتی بپردازند، و مبارزه خود علیه انحصارات، بورژوازی، برای سرنگونی سرمایه داری و پیکار طبقاتی خود علیه جنگ های امپریالیستی، برای سوسیالیسم که بیش از هر زمانی مبرم و ضروری است، تشدید کنند.

---

ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان در ۲۳ آوریل – RIZOSPASTIS مقاله فوق در روزنامه ۲۰۲۲ منتشر شد

برگردان از متن روسی: اردشیر قلندری

1. زیوگانوف گلوبالیزاسیون “بن بست یا خروج؟- ۲۰۰۱.
2. برنامه حزب کمونیست روسیه <https://kprf.ru/party/program>
3. زیوگانوف برسمیت شناختن جمهوری های مردمی دانیاس برای ما بمثابة مساله <https://kprf.ru/party-live/cknews/208757.html> اصلی
4. پوتین، پیام رئیس جمهوری روسیه ۲۱.۰۲.۲۲

<http://kremlin.ru/events/president/news/6782>